

جزوه آموزشی

آسیب شناسی مهدوین

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام اصفهان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تهیه و تنظیم

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام اصفهان

آسیب شناسی مزدویت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آسیب‌شناسی مهدویت

پیش درآمد:

هر امر مهم و خطیر به نسبت اهمیتش، در معرض خطرات و آسیب‌هایی است. مقوله مهدویت نیز از این قاعده مستثنی نیست، امری مهم با اثرات بسیار حیاتبخش و بهجت‌زا که کمترین نتیجه آن امید به آینده و سر فرونیارودن در مقابل حوادث، ظلم، ستم و سختی‌هاست.

هدف این نوشتار، بررسی برخی آسیب‌ها، با تبیین آثار و خاستگاه هر یک است تا راه مبارزه و درمان آنها روشن گردد.

۱- برداشتهای انحرافی:

۱-۱- برخی انتظار فرج را در دعا برای فرج و امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی منحصر دانسته و بیشتر از آن وظیفه‌ای برای خویش قایل نیستند.

۱-۲- گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی را نیز بر نمی‌تابند چون معتقدند در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی‌آید و تکلیفی بر عهده ندارند. امام زمان (علیه السلام) خود، هنگام ظهور کارها را حل می‌کند.

۱-۳- پندار گروه سوم چنین است: جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری

به فساد نباید داشت تا زمینه ظهور که دنیایی پر از ظلم و فساد است، فراهم آید.

۱-۴- گروه چهارم انتظار را چنین تفسیر می‌کنند: نه تنها نباید جلوی مفسد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آنها دامن هم زد تا زمینه ظهور حجت (علیه‌السلام) هرچه بیشتر فراهم آید.

۱-۵- دیدگاه پنجم، هر حکومتی را به هر شکل، باطل و بر خلاف اسلام می‌داند و قایل است: «هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات معتبر است» به این استدلال که در روایات آمده: «هر علم و پرومی قبل از ظهور قائم (علیه‌السلام) باطل است»^۱.

پیامدها

پیش از طرح منشأ و علل چنین دیدگاهی، ذکر برخی از پیامدهای این نظریات، بدیهی می‌نماید تا مشخص گردد چرا این برداشت‌ها، برداشت انحرافی (انتظار تلخ یا منفی) نامیده می‌شود:

- ۱- قانع بودن به وضع موجود و عدم کوشش برای تحقق وضعی برتر.
- ۲- عقب ماندگی توده.
- ۳- چیرگی بیگانگان و زبونی در مقابل آنها (نبودن استقلال و آزادی).
- ۴- ناامیدی، یأس و پذیرش شکست در حوزه فرد و اجتماع.
- ۵- ناتوانی دولت و نابسامانی کشور.
- ۶- فراگیری ستم و انفعال و بی‌حرکی در مقابل ظلم.
- ۷- قبول ذلت و بدبختی در حوزه فرد و اجتماع.
- ۸- تنبلی و بی‌مسئولیتی.
- ۹- مشکل‌تر ساختن حرکت و قیام امام زمان (علیه‌السلام) (چرا که هر چه فساد و تباهی بیشتر باشد، کار امام (علیه‌السلام) و مبارزه سخت و طولانی‌تر می‌گردد).

۱۰- تعطیلی بسیاری از آیات و روایات، اگر نگوییم همه، مانند: امر به معروف و نهی از منکر، سیاست داخلی و خارجی، چگونگی برخورد با کفار و مشرکان، دیه، حدود، دفاع از محرومان عالم ...

خاستگاه

منشأ اشتباه دلایل انحراف برداشت ها عبارتند از:

- ۱- کوتاه فکری و عدم بصیرت کافی نسبت به دین.
 - ۲- انحرافات اخلاقی (برخی از قائلین دیدگاه دوم).
 - ۳- انحرافات سیاسی (برخی از قائلین دیدگاه چهارم و پنجم).
 - ۴- توهم این که امام زمان (علیه السلام) کارها را به وسیله اکراه و اجبار یا فقط از طریق معجزه انجام می دهد پس نیاز به مقدمات و زمینه سازی نیست.
 - ۵- توهم اینکه چون غیر از امام زمان (علیه السلام) هیچ کس نمی تواند همه فسادها و تباهی ها را به صورت کامل برطرف نموده و تمامی خیرها و صلاح ها را در همه ابعاد و زمینه ها حاکم سازد.
 - ۶- هدف، وسیله را توجیه می کند: «الغایات تبرر المبادئ» هدف ها وسیله های نامشروع را مشروعیت می بخشد، پس بهترین کمک به تشریح در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشعه فحشا و فساد است.
 - ۷- عدم فهم صحیح روایات، که ظلم و جور آخر الزمان را مطرح می کنند و این اشتباه که پس بایستی، یا کاری به فساد و تباهی نداشت و در قبال آن، موضع بی طرفی اتخاذ کرد (دیدگاه سوم) و یا حتی دیگران را به گناه فراخواند (دیدگاه چهارم).
 - ۸- جدای از مسایل سیاسی و دست سیاست بازان که به دنبال سکون و رکود جوامع اسلامی اند، عدم فهم روایات «بطلان هر علمی قبل از ظهور» نیز زمینه ساز دیدگاه پنجم است.
- قبل از پاسخ تفصیلی به دیدگاه ها و علل اشتباهات، به ذکر نکاتی چند که در

حل زیربنایی مطالب مذکور و نظایر آن، مفید است، می پردازیم:

- ۱- علم و بصیرت در دین، در مقابل کج اندیشی ها و برداشتهای غلط .
- ۲- تقوا در مقابل هوا و هوس.
- ۳- علم و بصیرت در حوزه سیاست و اجتماع برای تشخیص دوستان و دشمنان و روشن شدن عملکرد و سیاست بازان.
- ۴- تبیین و روشنگری اندیشمندان و علماء در حوزه دینی و سیاسی و اجتماعی.

۵- پیروی از علماء راستین که مصداق نواب عام امام زمانند.

۶- به حاشیه راندن تفکرات متحجر و جمودگرا.

پاسخ تفصیلی:

- ۱) حرکت امام زمان (علیه السلام) همچون امور دیگر روال طبیعی دارد و قهرار نیست همه امور، معجزه آسا صورت پذیرد.
- ۲) قیام امام زمان (علیه السلام) زمینه سازی و آمادگی می طلبد. چنانکه در روایات، عده ای زمینه سازان حکومت مهدی (علیه السلام) نامبرده شده اند: «فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي يَعْني سُلْطَانَهُ»^۱

در روایات دیگر، در توصیف منتظران واقعی آمده است «أَنان هسنتکی لایذیر در آشکار و نهان، دیگران را به دین خدا فراموشی هواللد»؛ «ان أهل زمان غیبیه و القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره أفضل من أهل كل زمان ... اولئك المخلصون حقاً و شیفتنا صدقاً و الدعاء الی دین الله سرا و جهراً»^۲

۳) اگر اصلاح به صورت کامل مقدور نیست، اصلاح آن مقداری که در حد توان است

۱. منتخب الاثر، صفی گلپایگانی، باب ۴، حدیث اول، ص

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۲

ساقط نشده است.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

۴) هدف، وسیله را توجیه می کند، این دیدگاه از نظر دین، کاملاً اشتباه است چرا که همان طور که حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) ریشه کن کننده ظلم و جور و برپاکننده عدل است و تهی از قلدری و قساوت می باشد، راه پیدایش این مقصود نیز بایستی چنین باشد. از ظلم و جور دور و از قساوت و قلدری برکنار و از دروغگویی و ریاکاری خالی باشد. قداست مجوز گناه نمی شود چرا که گناه جز گناه نمی زاید و با ظلم نمی شود عدل را به پا کرد و با عقیده انتقام نمی توان دادگری کرد.^۱

۵) در مورد «ظلم فراگیر»، بدیهی است که لازم نیست همه ظالم یا فاسد گردند. آری نگاهی کوتاه و گذرا به جهان نشان می دهد که ظلم عالم را فرا گرفته است، عده ای ظالمند و بسیاری مظلوم، ضمناً هیچ منافاتی ندارد که در کنار این ظلم و جور، دوستان و چشم به راهان آن حضرت، با زمینه سازی مثبت و آینده ساز، در اندیشه مقدمه چینی برای انقلاب جهانی ایشان بلکه نوید مهدی موعود به اهل ایمان و عمل صالح باشند پس ظلم و فساد به صورت نسبی در جهان شیوع دارد.

شیخ صدوق روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند مبنی بر این که «این امر (فرج) تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند».^۲ پس سخن در این است که گروه سعادت‌مندان و گروه شقاوت‌مندان هر کدام به نهایت کار خود برسند. نه اینکه سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند.

از سوی دیگر بدیهی است که آیات و روایات ما را به مبارزه با ظلم و ستم

فراخوانده‌اند:

۱. صدر، سیدرضا، راه مهدی، ص ۸۷ و ۸۸، چاپ اول، ۱۳۷۸

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ما اخبر به الصادق (ع) عن ولوم الغیبه، حدیث ۳۲.

پیامبر گرامی اسلام فرموده اند: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ الْمَعَاصِيَ وَيَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَدَّرَهَا عَلَيْهِمْ. الرَّأدُّ عَلَيْهِمْ كَشَاهِرِ سَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ در آخر الزمان گروهی معصیت می‌کنند و می‌گویند: خدا سبب آن شده (کتابه از هبدا) کسی که ایلها را رد کند. مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است.»

(۶) در مورد «بطلان هر علمی قبل از ظهور» گفتنی است این روایات از روش برخورد فقها با سایر روایات مستثنا نیستند، پس بایستی آنها نیز بر قرآن، روایات و عقل عرضه گردند تا مواردی مانند: «حکومت»، «تخصیص»، «تخصیص» و «ورود» و راه های دیگر جمع، اعمال شود. حتی در روایات آمده، اگر روایتی مخالف صریح قرآن بود، بایستی کنار نهاده شود. (جعلی است یا ...)

به هر حال آنچه آیات و روایات و عقل، رهنمون می شوند، بطلان همه قیام‌ها، فعالیت‌ها و جریان‌های قبل ظهور نیست بلکه منظور از قیام علمی که در روایات باطل اعلام شده، قیام به نام حضرت مهدی (علیه السلام) است. روایات، اشاره دارد که هر کس علم بلند کند، به نام علم مهدی، و به عنوان «مهدویت» قیام کند،^۲ باطل است نه هر قیامی. چنان که قیام زید و امثال آن در روایات معتبر، توسط اهل بیت علیهم السلام کاملاً مورد تأیید واقع شده‌اند^۳ به عنوان نمونه، به ذکر روایاتی بسنده می‌کنیم:

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْمَعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفِ وَلَا يُمْكِنُ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْتُنُونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ قیامی به (هدی مردی از اهل قومه که مردم را به حق دعوت

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۷

۲. حضرت امام (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴

۳. برای توضیح بیشتر و بررسی سندی و دلالی چنین روایاتی رجوع کنید: دادگستر جهان، ابراهیم امینی؛ فصلنامه انتظار، ش ۵، مقاله «تهی از قیام»، در بوته تحلیل

روایی، نجم الدین طیبی، ش ۷، مقاله محمدعلی قاسمی، نقد و بررسی روایات نقلی حکومت و قیام در عصر غیبت.

می‌کند صورت می‌پذیرد که طرفداران و پیروان آن رهبر، مردمی استوار و آهنین اند که ابدًا از جنگ فاصله نمی‌شوند و از دشمن نمی‌هراسند و تنها به خدا توکل می‌کنند و عاقبت نیز از آن کسانی است که اهل تقوا هستند».

در روایت دیگر، امام باقر (علیه السلام) کشتگان مبارزان قبل از ظهور را شهید نام

می‌برد.

«...قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ»^۱

دیدگاه صواب

در مقابل دیدگاه های مطرح شده، نگرش دیگری هم وجود دارد که انتظار را به معنای فراهم آوردن زمینه های ظهور، ظلم ستیزی به مقدار توان و آمادگی برای ظهور حضرت می‌داند.

یعنی در این دیدگاه، فرد بایستی عالم را برای آمدن حضرت مهیا کند.

نه تنها باید امر به معروف و نهی از منکر نمود، بلکه باید به دنبال تشکیل

حکومت صالح و حفظ و حراست از کیان اسلامی نیز بود.

حضرت امام (ره) در این باره می‌فرماید: «البته پرکردن دنیا از عدالت، این را ما

نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما چون نمی‌توانیم باید ایشان بیایند.

الآن عالم پر از ظلم است، اگر ما بتوانیم جوی ظلم را بگیریم، تکلیفان است، ضرورت

اسلام و قرآن (است) و ... باید چنین کنیم.

اما چون نمی‌توانیم باید او بیاید. اما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب

این است که کار را نزدیک کنیم، کاری کنیم که عالم مهیا شود برای آمدن حضرت».^۲

«این هایی که می‌گویند هر علمی بلند شود و هر حکومتی، خیال کردند که هر

۱. بهار انوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶-۱۷، با اندکی تصرف

حکومتی باشد، این بر خلاف انتظار فرج است. این ها نمی فهمند چه می گویند. این حرف ها را به این ها تزریق کردند اما خودشان نمی دانند دارند چه می گویند. نبودن حکومت، یعنی این که همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند. برخلاف نص آیات الهی رفتار کنند. ما اگر فرض کنیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می زدیم، برای این که برخلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر نباید کرد. این را باید به دیوار زد. این گونه روایات قابل عمل نیست.^۱

«شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، فراهم کردن این است که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. انشاء الله ظهور می کند ایشان».^۲
در جای دیگر ایشان می فرماید:

«اکنون که دوران غیبت امام (علیه السلام) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می آید عقل هم به ما حکم می کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند، بتوانیم جلوگیری کنیم. اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم».^۳

«از غیبت صغری تا کنون که هزار و چند صد سال می گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورند. در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟! و هر که هر کاری خواست بکند؟! هرج و مرج است؟!»

اعتقاد به چنین مطلبی یا اظهار آنها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است. هیچ کس نمی تواند بگوید، دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی

۱. همان، ص ۱۶، با اندک تصرف

۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵

۳. ولایت فقیه، ص ۵۲-۵۴، نشرات ناس، چاپ اول

وطن اسلامی دفاع کنیم یا امروز مالیات و خرید و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود، قانون کیفری اسلام و دیات و قضا باید تعطیل شود.

هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.^۱

«اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا این که اسلام، تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند؟ و ما اگر کارهای آنها را امضاء نکنیم رد نمی‌کنیم. آیا باید این طور باشد.»^۲

نتیجه

دلایل عقلی و نقلی که معیار درستی و نادرستی دیدگاه‌های متفاوت در انتظار فرج می‌باشند بیانگر مطالب زیراند:

از سویی سخن آیات و روایات درباره امر به معروف و نهی از منکر، حدود، دیات، دفاع، جهاد، کمک به محرومان، چگونگی برخورد با دشمنان و دوستان (سیاست داخلی و خارجی)، چگونگی برخورد با ظلم و عیدم تسلیم در برابر ستم (مانند پیمان خداوند از دانشمندان که بر شکم بارگی عده ای و گرسنگی عده ای

۱. همان، ص ۲۶-۲۷

۲. همان، ص ۵۲

دیگر آرام نگیرند و سکوت را روا نداشته و حق مظلومان را از ظالمان بستانند و ...^۱ و دیگر مواردی که دین مورد تأکید قرار داده، ما را به انتظار مثبت رهنمون می شوند. از سویی دیگر پیامبر درون یعنی تکلیف ما را کاملاً مشخص نموده است:

الف) آیا می شود همه احکام و دستورهای الهی در دوران غیبت تا زمان ظهور تعطیل بماند و در نهایت، در دوران غیبت امام زمان (علیه السلام) که مشخص نیست چقدر طول خواهد کشید. این همه دستورها و احکام بدون متولی و مجری بمانند؟ بدیهی است کسی بایستی عهده دار و حافظ شریعت الهی بوده و ملجأ و پناهگاه ایتام آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد.

بایستی به قدر توان کوشید و زمینه را فراهم کرد و عالم را برای آمدن حضرت مهیا نمود. «یوظنون للمهدی (یعنی) سلطانه»^۲.

ب) برنامه امام زمان (علیه السلام) بسیار عالی اما دشوار است؛ زیرا باید تمام جهان را اصلاح کند. از سویی دیگر، از روایات استفاده می شود که امام زمان (علیه السلام) و یارانش به وسیله جنگ و جهاد بر کفر و مادیگری و بیدادگری غلبه می کنند و به واسطه نیروی جنگی، سپاه دشمن و طرفداران بی دینی و ظلم و ستم را مغلوب می سازند. با توجه به این دو مطلب، معلوم می شود، وظیفه مسلمانان این است که:

اولاً: در اصلاح خود کوشش و جدیت کنند اخلاق اسلامی، وظایف فردی و احکام و دستورهای قرآن را عمل کنند.

ثانیاً: دستورهای اجتماعی اسلام را استخراج و بین خود به طور کامل اجرا کنند تا نتایج درخشان آن را عملاً در پیش جهانیان مجسم سازند.^۳

آری، منتظر مصلح، خود بایستی صالح باشد و کار بزرگ امام زمان (علیه السلام)

۱. نهج البلاغه، ج ۲

۲. منتخب الآثار، صفی گلپایگانی، باب ۴۰، حدیث اول، ص ۲۰۴

۳. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۲۵۱

انتظاری گسترده می طلبد و برنامه ریزهای کلان و جهانی. «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود»^{*۱}.

۲- افراط و تفریط در مهر و قهر:

انحراف دیگر، افراط و تفریط در تبیین قتل و کشتارها در آغاز قیام است. ۱-۲ برخی هر گونه مبارزه و مجاهدتی را از حضرت نفی می کنند و صرفاً به دنبال حل معجزه آسای امورند و مهربانی حضرت را به معنای عدم اجرای هر گونه کیفری می دانند. این تفکر انحرافی در زمان خود اهل بیت علیهم السلام نیز وجود داشت: معمر خلاد می گوید: نزد امام رضا (علیه السلام) سخن از حضرت قائم (علیه السلام) مطرح شد. حضرت فرمودند: «شما امروز سبکبال تر از آن (مانید). لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا (علیه السلام) لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقَ وَالْعَرَقَ وَ الْقَوْمَ عَلَى السُّرُوجِ^۱؛ قائم که قیام کند، جز... عرق ریختن و خون (از طرف مستکی و مجاهدتهای پی در پی) بر اینها نیست».

خاستگاه:

- ۱- معجزه آسا، پنداشتن همه امور.
- ۲- عدم درک عمیق مهربانی حضرت که با حکمت توأم است.
- ۳- عدم نگاه جامع به دین (صریح آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام).

پیامدها:

- ۱- عدم آمادگی و کوشش برای زمینه سازی ظهور.
- ۲- رجاء و امید کاذب که بسیاری از افراد را در انجام وظایف سست می کند.

۱. حضرت امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۲

* مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره ۴۳، مقاله انتظار فرج، ۲، ص ۱۲۵، نگارنده

۲. شماره ۱۹۹، آبان ۵۲ - پیاپی ۲۷، ص ۳۵۸

مبارزه و درمان:

علم و بصیرت در دین، بررسی آیات و روایات و سیره احادیث اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه درک مطالب ذیل:

- ۱- روشن شدن مسأله امداد غیبی و جایگاه آن در قیام.
- ۲- بررسی رابطه حکمت و محبت، که حکیم مهربانیش هم از حکمت او سرچشمه می‌گیرد و حکمت هیچگاه نمی‌پذیرد بر گرگ صفتان درنده که خویی جز وحشیگری و جنایت ندارند و هیچ موعظه‌ای در آنها اثر ندارد و به هیچ صراطی مستقیم نیستند، ترحم شود:

ترحم بر پلنگ تیزدندان
ستمکاری بود بر گوسفندان

۲-۲ دیدگاه دیگر، ارائه چهره‌ای خشن و وحشت آفرین است که توأم با قتل و خونریزی می‌باشد. این مطلب با روح آیات و رسالت پیامبران و اوصیاء (علیهم السلام) سازگاری ندارد که پیامبر یا امامی، مظهر غضب و نقیمت باشد.

پیامد:

- ۱- ایجاد دلزدگی و نفرت نسبت به امام.
 - ۲- ترس و خوف از حضرت و عدم پذیرش امام به عنوان پدری مهربان.
 - ۳- ناامیدی از انجام اعمال صالح به خاطر ترس از عدم پذیرش توسط امام، با این تصور که اکثریت کشته خواهند شد و حضرت اعمال او را نیز نخواهد پذیرفت.
- نتیجه این که نفرت و خشونت و یأس، باعث عدم انگیزه برای درک و حتی تأمل درباره حضرت، راه، مرام و مسیر او می‌گردد.

خاستگاه:

- ۱- عدم بصیرت کافی و نگاه جامع به دین.
- ۲- عدم بررسی دلالتی و سندی روایات.

مبارزه و درمان:

۱- با بررسی روایات روشن می‌گردد که بسیاری از مطالب ارائه شده (قتل‌های آغازین، جوی خون، کشته شدن مردم و...) دچار اشکالات بسیار زیادی در سند و دلالت می‌باشند.^۱

۲- روشنگری توسط اندیشمندان:

الف- قتل‌ها صرفاً به کسانی تعلق دارد که جز زیان توطئه و زور چیزی نمی‌فهمند، نه عموم مردم، که با جان و دل سراغ حضرت می‌آیند.
۲- حضرت با مردم مهربان، بلکه مهربانترین افراد است.

«جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ».^۲ یعنی «بسیار گشاده دست در

بفشش مال، بسیار مهربان با بیچارگان و سختگیر بر کارگران مگومتی»

در روایت دیگر آمده که امام‌علامتی دارد از جمله: «أَنْ يَكُونَ أَغْلَمَ النَّاسِ وَأَقْصَحَهُمْ وَأَقْلَهُمْ وَأَسْخَاهُمْ وَأَعْبَدَهُمْ وَأَشْفَقَهُمْ عَلَيهِمْ؛ برترین مردم در دانش، زبان‌آورترین، ملایم‌ترین و با سخاوت‌ترین آنان، بنده‌ترین آنان در مقابل فدای متعال و دلسوزترین مردم است بر هودشان».

۳- در نهایت گفتنی است وظیفه یک عالم چنانکه روایات می‌گویند، ایجاد تعادل در خوف و رجا است نه اینکه دچار افراط و تفریط شده و مخاطبان خویش را به ورطه افراط و تفریط افکند.

۳- طرح مباحث غیر ضروری:

یکی دیگر از انحرافات در مقوله مهدویت، پرداختن به مباحثی است که هیچ

۱ برای توضیح بیشتر مراجعه کنید: فصلنامه انتظار، شماره ۶، مقاله درنگی در قتل‌های آغازین، ص ۳۵۶، نجم‌الدین طوسی.

۲ مجمع احادیث المهدی، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۵۲ و ۱۳۱.

ثمره ای ندارد. در روایات آمده: «فَأَغْلَقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ^۱؛ (از آنچه ثمره‌ای برایتان ندارد بپهوده نپرسید». مسکن، ازدواج، همسر، تعداد همسران، تعداد فرزندان و... از مباحثی هستند که اذهان افراد را به خود مشغول ساخته و از مباحث مهمتری باز می‌دارد.

معرفت امام، وظیفه ما نسبت به امام، تبیین و ترسیم استراتژی آینده و ارائه آن برای زمینه سازی و فراهم آوردن شرایط ظهور و... برخی از مسایل است که پرداختن به آن اهمیت فراوانی دارد.

پیامد:

- ۱- بازماندن از مباحث مهم، کاربردی و ضروری.
- ۲- بسترسازی برای ورود خرافات و سخنان بی دلیل و غیر مستند که سوداگران از بازار

گرم این مباحث به سود مطرح کردن خویش یا فریفتن مردم بهره می‌جویند.

خاستگاه:

- ۱- عدم تشخیص وظیفه دینی.
- ۲- هوای نفس که در عوامفریبی بروز می‌یابد.
- ۳- توهم و خیال‌پردازی که زمینه داستان سرایی‌هایی چون جزیره خضراء و... است.
- ۴- عدم بررسی سندی و دلالتی روایات (چنانچه تأمل و بررسی، به خوبی جزیره خضراء را نفی می‌کند و با نفی آن، بطلان وجود هزاران فرزند برای حضرت یا تطبیق خضراء بر مثلث برمودا، کاملاً روشن می‌گردد).^۲
- ۵- عدم تبیین و روشن‌گری اندیشمندان و عالمان دینی.

۱. بهارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۶

۲. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید، جزیره خضراء، فسانه یا واقعیت، جعفر مرتضی‌عاملی، فصلنامه انتظار، شماره (۲ و ۳ و ۴)، بررسی فسانه جزیره خضراء، مجتبی کلباسی

مبارزه و درمان

۱- علم و بصیرت در دین.

۲- روشنگری توسط اندیشمندان در موضوعات مرتبط با مهدویت و ذکر مسایل

مهم و کاربردی و تبیین وظایف.

۳- حساسیت علماء نسبت به عوامفریبان و ورود خرافات در ساحت دین و

مقوله های دینی نظیر مهدویت.

۴- تقوا در مقابل هوای نفس و عوامفریبی.

۴- تعجیل:

یکی دیگر از آسیب ها، عجله داشتن در تحقق امر ظهور است در حالی که

شتابزدگی در این امر در روایات ما بسیار نکوهش شده است:

مرحوم صدوق در کمال الدین نقل می کند که امام رضا (علیه السلام) فرمود: «يُهْلِكُ

فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ»؛ «شتابزدگان درباره آن (ظهور) هلاک می شوند».

امام صادق (علیه السلام): «أَنَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ لِهَذَا الْأَمْرِ. إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ

لِعِجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةَ يَنْتَهِي إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا»^۱

یعنی «شتاب مردم برای این کار، آنها را هلاک ساخت. خداوند برای شتاب مردم، شتاب

نمی کند. برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر مدت آن سرآید، نه ساعتی

جلو می افتد و نه ساعتی تأخیر می شود».

پیامدها:

۱- ناشکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی.

۲- رویکرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت.

۳- یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور.

۴- شک و تردید.

۵- دست به اقدام ناشایسته زدن.

۶- استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور.

خاستگاه:

۱- عدم درک جایگاه مصلحت و حکمت الهی.

۲- عدم تسلیم نسبت به اراده خدا.

۳- بی طاقتی و بی ظرفیتی و عدم صبر به خاطر سختی ها، اذیت ها و طعنه

های دشمنان.

۴- تنها خود را معیار دیدن، لذا پایان عمر و زندگی خود را ملاک می داند نه

سیر تاریخ را.

مبارزه و درمان:

۱- تسلیم اراده و حکمت الهی بودن همراه با آرزوی ظهور و داشتن آمادگی .

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «... يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُو فِيهَا

الْمُسَلِّمُونَ»؛ «شتابزدگان درباره آن هلاک می شوند و تسلیم شدگان در مورد آن، نجات

می یابند».

ایمان به غیب و ایمان به حکمت الهی، سبب صبر و تسلیم به جای تعجیل خواهد شد.

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ، أُولَئِكَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللهُ

فِي كِتَابِهِ وَقَالَ «هُدَى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۱ یعنی «فوشا به حال شکیبان در

غیبت، و استواران در محبت او که آنها را فدای تباری و تعالی در کتابش چنین توصیف

فرموده است؛ این قرآن هدایت است برای پرهیزگاران، آنها که به غیب ایمان می آورند».

در روایت دیگر امام آمده است:

«... وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَكِيمٌ، صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حَكِيمَةٌ وَإِنْ كَانَ

وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشَفٍ لَنَا»^۱

یعنی «هلکامی که هدای تبارک و تعالی را متکیم بدانیم، همه افعال خدا را مطابق حکمت و مصلحت خواهیم دانست، اگر چه برخی از آنها برای ما روشن نباشد».

در روایت دیگر آمده است: امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ... وَ أَمَّا الْآخِرَى فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۲ یعنی «برای قائم ما دو غیبت است... اما دومی به قدری طول می کشد که بیشتر کسانی که به غیبت او ایمان داشتند، از اعتقاد خود برمی گردند، فقط کسانی بر اعتقاد خود استوار می ماندند که یقین محکم و شناخت صمیم داشتند، تسلیم ما اهل بیت باشند و سفیان ما بر آنها گران نباشد».

۲- علم و بصیرت در دین:

در دو مقوله عواقب تعجیل و آثار صبر، روایات بسیاری است، به مناسبت، به

برخی از آنها اشاره می شود:

الف- عاقبت عجله، پشیمانی است؛ «لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدِمُوا»^۳

ب- فضیلت صبر و شتابزده نبودن:

۱) جهاد در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم): «... وَ أَمَّا إِنْ الصَّابِرَ فِى غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ، بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَى رَسُولِ اللَّهِ»^۴ یعنی «آنها که در زمان غیبت او بر آزار و تکذیب صبر می کنند مانند کسانی هستند که در حضور رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) شمشیر (دهاند)».

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۶۵.

۴. روزگار رهایی، ص ۳۶۹.

(۲) در زمره اهل بیت علیهم السلام و در علین بودن:

«إِنْ مَنْ أَنْتَظَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يُرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ، هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا»

یعنی «کسی که منتظر امر ما باشد و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت می بیند، صبر کند، فردا روز رستافیز، در جریه ما خواهد بود»^۱

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «یا أحمد بن إسحاق، هذا أمرٌ من أمرِ الله و سرٌّ من سرِّ الله و غیبٌ من غیبِ الله فخذ ما آتیک و اکتمه و کن من الشاکرین، تکن معنا غداً فی علین»^۲ یعنی «ای احمد بن اسحاق، این امری از امرهای خدا و سری از اسرار خداست و غیبی است از غیبهای مضرت اهدیت است. آنچه به تو ارزانی داشتیم، فراگیر و پوشیده دار و از سپاسگزاران باش، تا فردای قیامات در مقامات علین با ما باشی».

۳- تبیین و روشنگری اندیشمندان نسبت به عواقب تعجیل و آثار صبر و تسلیم و رضا و تذکر به این نکته که مهم انجام وظیفه است و آنکه در این مسیر باشد و معرفت به امام و راه و مرام او داشته باشد، ظهور مقدم شود یا به تاخیر افتد، هیچ ضرر نکرده است و در رکاب و در زمره اهل بیت علیهم السلام قرار دارد.

امام باقر (علیه السلام) در ضمن تفسیر آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا»^۳ فرمودند:

«یا ایها الذین آمنوا اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا علی اذیة عدوکم و رابطوا امامکم المهدي المنتظر، من مات و هو عارف لامامه، لا یضره تقدم هذا الامر أو تأخر و من هو عارف لامامه کان کمن هو مات و هو مع القائم فی فسطاطه»^۴ اصبروا یعنی صبر

۱. روزگار رهایی، ص ۳۸۲.

۲. روزگار رهایی، ص ۱۶۱.

۳. روزگار رهایی، ص.

۴. روزگار رهایی، ص ۳۷۲.

کلید بر ادای واجبات، و صابرو یعنی شکریا باشید بر اذیت دشمنان و (ابطوا یعنی رابطه ناکسستلی داشته باشید با امامتان، مهدی منتظر(علیه السلام) که هر کس با شناخت کامل امامت او از دنیا برود، او را ضرری نمی رسد اینکه، این امر جلو بیفتد یا در آن تأخیر شود. کسی که از دنیا برود در حالی که معرفت کامل به امام خود دارد، مانند کسی است که با قائم(علیه السلام) در فسطاط (پادر فرماندهی) او باشد».

نکته: گرچه تعجیل، یکی از آفت ها و آسیب هایی است که فرا روی منتظر قرار دارد، اما برخی در نقطه مقابل دچار آسیب شده اند و آن دور شمردن وقت ظهور است که پیامد آن، بی تفاوتی و قساوت قلب می باشد.

در روایتی فرموده اند:

«لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدِمُوا وَلَا يُطَوَّلَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمْدُ فَتَقْسُو قُلُوبُكُمْ»

یعنی «در این امر شتاب نکلید که پشیمان می شوید و آنرا دور نشمارید که دلتان قساوت می گیرد».

در روایت دیگر، تکلیف مشخص شده است: «اهل عهد هلاکند، اهل لجات، تسالی اند، که تسلیم اراده هدایت و امر ظهور را زردی می شمارند (و آنکه امر ظهور را زردی داند، هویشتن را آماده می سازد)».

۵- توقیت:

یکی دیگر از آسیب ها، تعیین وقت ظهور است، چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان(علیه السلام) بر بندگان مخفی بماند لذا احدی نمی تواند، زمانی برای ظهور تعیین کند.

حسین بن عمران از مفضل بن عمر روایت کرده است از مولایم امام صادق(علیه السلام) پرسیدم: «آیا ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) وقت معینی دارد که مردم آن را بدانند؟ (سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ وَقْتٍ مُوقَّتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ)».

فرمودند: «هاشما که خداوند برای آن وقتی تعیین کرده باشد یا شیعیان ما برای آن وقتی تعیین کنند (فَقَالَ: حَاشَا لِلَّهِ أَنْ يُوَقَّتَ ظُهُورَهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شِيعَتُنَا...).

«فَقَالَ: يَا مَفْضَلُ لَا أَوْقَتُ لَهُ وَقْتًا وَلَا يُوَقَّتُ وَقْتًا، إِنَّ مَنْ وَقَّتَ لِمَهْدِينَا وَقْتًا فَقَدْ شَارَكَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عِلْمِهِ وَادَّعَى أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَى سِرِّهِ»^۱ یعنی «مفضل! برای آن وقت نمی گذارم، وقتی هم نمی شود گذارد. آنکه برای ظهور مهدی، وقتی تعیین کند. خود را در علم خداوند شریک دانسته و (به حق) مدعی شده که خداوند تعالی او را از اسرار خویش آگاه ساخته است».

در غیبت شیخ طوسی به سند خود از فضل بن شاذان و او از فضل آورده که گفت:

«(از امام باقر(علیه السلام) پرسیدم: هَلْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتٌ؟ فَقَالَ: كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ»^۲ یعنی «آیا این امر را وقتی است؟ سه مرتبه فرمود: وقت گذران دروغ می گویند. وقت گذران دروغ می گویند. وقت گذران دروغ می گویند».

ابی بصیر گوید: از امام صادق(علیه السلام) درباره امام زمان(علیه السلام) پرسیدم، فرمود: «كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّا أَهْلَ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ ثُمَّ قَالَ: أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُخَلَّفَ وَقْتِ الْمُوقَّتِينَ»^۳ یعنی «وقت گذران دروغ می گویند. ما اهل بیت (مالی) را تعیین نمی کنیم. آن گاه فرمود: خداوند اراده کرده است با هر وقتی که تعیین کنند، مگر مخالفت نماید».

در روایت دیگر فرموده اند:

«كَذِبَ الْوَقَاتُونَ... مَا وَقَّتْنَا فِيهَا مَضَىٰ وَلَا نُوقَّتُ فِيهَا يَسْتَقْبِلُ»^۴

یعنی «هر آنکه وقت تعیین کند دروغ گفته است... ما در گذشته وقتی تعیین

۱. بحار الانوار، ص ۱، ب ۲۸

۲. کتاب النبیة، طوسی، ص ۲۶۲

۳. نعمانی، ص ۲۰۴

۴. ۳۴۰ روزگار دهایی

نکرده و در آینده نیز مرکز وقتی تعیین نخواهیم کرد.

در برخی روایات، علت عدم تعیین وقت، چنین بیان شده است:

امام جواد (علیه السلام): «لَوْ عَيَّنَ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ لَقَسَّتْ الْقُلُوبُ وَ لَرَجَعَ عَامَّةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ لَيُنَّ قَالُوا: مَا أَسْرَعَهُ! مَا أَقْرَبَهُ! تَأَلَّفَا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقَرَّبَا لِلْفَرَجِ»^۱ یعنی «اگر برای این امر وقتی تعیین شود دلها را قساوت می گیرد. و توده مردمان از اسلام برمی گردند. ولی گفته اند: چه زود است! چه قدر نزدیک است! تا دل مردم آرام گیرد و فرج نزدیک شود».

پیامد:

این عمل، جدای از این که ادعایی است بی دلیل و دروغی است آشکار- چرا که اهل بیت فرموده اند: کسی از زمان آن آگاه نیست- پیامدهای متفاوتی دارد که مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- ایجاد یاس و ناامیدی به سبب عدم تحقق ظهور در وقت تعیین شده.

۲- ایجاد بدبینی نسبت به اصل ظهور.

۳- ایجاد بدبینی به شخصیت امام در اثر عدم تحقق ظهور.

خاستگاه:

۱- تعجیل در امر فرج.

۲- عوامفریبی در اثر هوی و هوس.

۳- توهم و خیال پردازی.

۴- عدم تطبیق آثاری که از قدرتهای روحی و ریاضت‌ها بدست می آورند.

یعنی چیزهایی را در آینده پیش بینی می کنند اما در تطبیق آنها اشتباه نموده و خیال می کنند ظهور است لذا وقتی تعیین می کنند.

مبارزه و درمان:**۱- تکذیب:**

محمد بن مسلم گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ای محمد بن مسلم! هر کس از ما به تو خبر دهد که ما وقتی برای ظهور تعیین کرده ایم، بی مهابا و ترس او را تکذیب کن، زیرا که ما برای هیچ کس وقتی تعیین نمی‌کنیم»^۱.

نکته قابل توجه این است که در روایت ذکر شده است، «بی‌مهابا او را تکذیب کن» از این تفسیر به خوبی بدست می‌آید که نباید شخصیت زده شد. ابهت و بزرگی افراد مانع تکذیب نمی‌شود. هر کس با هر مقام و جایگاهی که دارد اگر به تعیین وقت روی آورد، بایستی تکذیب گردد.

۲- نزدیک دانستن ظهور همراه با تسلیم.

راه چاره این است که انسان ظهور را نزدیک بداند، هر لحظه منتظر ظهور باشد با این حال تسلیم الهی بوده و هیچ امری، پرده‌ی صبر او را ندرد.

۳- روشنگری و تبیین علما و اندیشمندان دینی.**۶- تطبیق:**

پس از توقیت و تعجیل، سومین آسیبی که قابل ذکر است، تطبیق ناصواب است. به این معنا که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آنها را بر افراد با حوادثی تطبیق می‌دهند. گفتنی است در روایات این امر خطیر، در تشخیص مؤلفه‌ها و علائم سپاه حق و باطل به عهده علماء راستین گذاشته شده است. همان‌ها که در عصر غیبت کبری به عنوان «نواب عام» عهده دار امور گشته‌اند.

اما آنچه آسیب و آفت است، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۵۵، فی النهی عن التولیت و التسمیه

خواندن یک یا دو روایت، بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و قدرت تشخیص صحیح و سقیم روایات مطرح می کنند، یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می پردازند.

پیامدها:

- ۱- پیامد تطبیق، توقیت و تعجیل است.
- ۲- نوامیدی و یأس در اثر عدم اتفاق ظهور.
- ۳- باعث بی اعتقادی افراد نسبت به اصل ظهور می گردد. به دلیل عدم تحقق تطبیق های مطرح شده، افراد در اصل ظهور و روایات به شک و تردید می افتند.

خاستگاه:

- ۱- عدم بصیرت کافی در دین.
 - ۲- توهم زدگی.
 - ۳- هوی و هوس و مشکل مطرح سازی خود (بیماری روانی هیستری).
 - ۴- دخالت افراد غیرمتخصص در مطالب کاملاً فنی و تخصصی.
 - ۵- عدم روشنگری کافی توسط علماء:
- الف- عدم تبیین علائم حتمی و غیرحتمی، طرح مسأله بداء و مسائل مرتبط با علائم ظهور.
- ب- عکس العمل مناسب نداشتن در مقابل مدعیان.

راه درمان:

- ۱- تبیین و روشنگری.
- ۲- تکذیب و مبارزه با انحرافات.
- ۳- کار کارشناسی در مورد علائم و ویژگی ها توسط علماء.

۷- افراط و تفریط در تبیین مفهوم غیبت:

۷-۱- نظر تفریطی:

برخی غیبت حضرت را به معنای عدم حضور معنا کرده‌اند، گروهی از اینان می‌پندارند، حضرت مهدی (علیه‌السلام) مانند حضرت عیسی (علیه‌السلام) به آسمان رفته است یا گروهی دیگر عالمی توهم کرده و آن را «هورقلیا» نام گذارده اند و مکان حضرت را آنجا گفته اند. برخی دیگر حضرت را در دوردستها (جزیره خضراء و ...) پنداشته‌اند. برخی هر گونه دیداری با حضرت را نفی کرده اند.

در حالی که این دیدگاه‌ها نادرست بوده و با روایات ما سازگار نیستند؛ مطابق روایات، حضرت بر خلاف عیسی پیامبر (علیه‌السلام) به آسمان نرفته، در میان مردمان است در شهرها و بازارها و ... قدم می‌نهد.

هر ساله در مراسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند:

«وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَخْضِرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ»^۱ یعنی «به خدا سوگند صاحب این امر (مفترت مهت بن المسن العسکری) هر ساله در مراسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند آنها را می‌شناسد ولی مردم او را با آنکه می‌بینند نمی‌شناسند»^۲

جزیره خضراء، عالم هورقلیا و مانند اینها توهم‌هایی هستند رو شده و افسانه‌هایی هستند بی‌دلیل.

۱. چهارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱، ح ۲

۲. گرچه برخی روایات گفته اند: حضرت دیده نمی‌شود ولی راه جمع این روایات با روایاتی که در آنها به دیده شدن حضرت اشاره می‌کند این است که حضرت دیده می‌شود و ولی توسط مردم شناخته نمی‌گردد، چنانکه سید صدرالدین صدر (کتاب المهدی، ۲۰۶-۲۰۷) مرحوم مجلسی، (ذیل روایت) شهید سید صدر الدین صدر (تاریخ الفیبه الکبری، ص ۳۱) همین وجه را پذیرفته اند.

پیامدها،

- ۱- دور از دسترس قرار دادن امام.
- ۲- کم نمودن تأثیر وجود امام در اثر اعتقاد به عدم حضور ملموس ایشان.

خاستگاه،

- ۱- عدم درک دقیق مفهوم غیبت.
- ۲- دوری از آیات و روایات.
- ۳- هوای نفس.
- ۴- اطمینان به برخی نقل های غیر معتبر مثل پذیرش و طرح جزیره خضراء.
- ۵- عدم بصیرت کافی و تفقه در دین.
- ۶- بدگمانی و عدم اطمینان به نقل های معتبر برای کسانی که هر نوع دیداری را نفی می کنند.

۲-۷- نظر افراطی:

در مقابل این دیدگاه، دیدگاه دیگر هیچ تفاوتی بین غیبت و حضور قایل نیست، توقع دارد، حضرت در هر امری دخالت نماید. این دیدگاه نیز به خطا راه پیموده است، اگر قرار بود حضرت مستقیماً در هر کاری دخالت کنند یا همه به محضرشان مشرف شوند دیگر غیبت معنایی نداشت.

پیامدها،

- ۱- رویکرد و توجه زیاد به مدعیان ارتباط و ملاقات.
- ۲- توهم زدگی و خیالپردازی.
- ۳- نوامیدی و یأس در اثر عدم ملاقات.

خاستگاه

- ۱- عدم درک دقیق مفهوم غیبت.
- ۲- توهم و خیالپردازی.

- ۳- عدم درک جایگاه معجزات، امدادهای غیبی و اسباب و علل مادی.
- ۴- عدم تفقه و تخصص در دین.
- ۵- هوای نفس.

راه درمان:

- ۱- دوری از خیالپردازی و توهمات.
- ۲- رویکرد به معارف ناب دینی و علماء ربّانی.
- ۳- مقابله با انحرافات و بدعتها و توهم گراها.
- ۴- تبیین و روشنگری توسط علمای دینی.

۸- ملاقات گرایی:

از آسیب هایی که در عصر غیبت برای منتظران رخ نموده، مدعیانی هستند که بی دلیل یا به بهانه ساده ترین اتفاق ادعای ملاقات را می کنند یا کسانی که تمام وظیفه خویش را دیدار حضرت می پندارند و از باقی وظایف غافل شده و افراد را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه، فرا می خوانند.

پیامدها:

- ۱- یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار.
- ۲- توهم گرایی و خیالپردازی.
- ۳- رویکرد به شیادان و مدعیان مهدویت، نیابت و مدعیان ملاقات.
- ۴- دورماندن از انجام وظایف اصلی به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار.
- ۵- بدبینی به امام (علیه السلام) به علت عدم دیدار^۱.

۱- همایش دانشجویی در یکی از شهرها، برگزار شده بود. پس از پایان همایش، دانشجویی می گفت: مدتی چمکران می آمدم، برای این که اقا را ببینم، چون موفق نشدم از

خاستگاه،

- ۱- نبود بصیرت و آگاهی نسبت به دین و نشناختن وظایف اصلی و فرعی.
- ۲- توهم و خیالپردازی.
- ۳- هوای نفس.

درمان،

مهمترین راه درمان این آسیب، توجه و رویکرد به منابع اصیل، معارف ناب دین در پرتو مراجعه به علماء راستین است که در این صورت بر ما روشن می شود که بسیاری امور مطلوب و خوب هستند اما خدای متعال آنها را به عنوان وظیفه بر دوش ما ننهاده (مانند ملاقات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه) یا اینکه در میان تکالیفی که دین بر عهده ما نهاده است رتبه بندی وجود دارد و در انجام وظایف لازم است به درجه اهمیت و ضرورت آنها توجه شود مانند تقوا، خودسازی تکالیف اجتماعی، انتظار و....

۹- مدعیان دروغین مهدویت و نیابت خاصه و عامه

در هر عصری عده ای بوده اند که به دروغ ادعای مهدویت نموده یا دیگران چنین نسبتی به آنان داده اند و فرقه‌هایی ایجاد کرده اند. هم در دوره غیبت صغری کسانی بودند که نیابت خاصه یا وکالت امام را به دروغ ادعا می نمودند و هم در دوره غیبت کبری چنین کسانی وجود داشته‌اند، البته این افراد به صورت‌های متفاوت ادعاهایی دارند:

۱- مهدویت.

۲- نیابت خاصه، وکالت، باییت یا... افرادی که مدعی اند هر موقع بخواهند امام را می‌توانند ببینند، مشکلات بواسطه آنان حل می‌شود آنها واسطه و باب مردم و امام هستند، پیامی را از امام آورده اند یا پیامی را برای امام می‌برند.

۳- نیابت عامه: عده ای خویشان را به جای علمای ربانی، مراجع عظام تقلید و فقها و... معرفی می‌کنند با این که در این دوران، عقل و نقل، وظیفه همه را روشن

ساخته است و آن مراجعه به علماء و فقها است، راهی جدای از قرآن و سنت و عقل برگزیده و سیر و سلوکی معرفی می کنند و ره نرفته، ره می آموزند.

پیامدها:

- ۱- گمراهی مردم.
- ۲- دوری از مسیر اهل بیت علیهم السلام.
- ۳- به بازی گرفته شدن دین.
- ۴- اختلافات دینی در اثر متابعت از فرقه های انحرافی.

خاستگاه:

- ۱- مشکلات روحی و روانی، عقده خودکم بینی، هیستری و مطرح کردن خود.
- ۲- نفسانیات و مشکلات اخلاقی، ضعف ایمان.
- ۳- توهم و خیالپردازی.
- ۴- هوی و هوس، خواسته های دنیوی، جاه، مقام.
- ۵- جهل و ناآگاهی.
- ۶- سکوت اندیشمندان و عالمان یا به موقع و مناسب تصمیم نگرفتن.
- ۷- مشکلات سیاسی، تأثیر ایادی اجانب مثل فریفتن محمد علی باب و
- ۸- عدم معرفت به جایگاه و شأن امام و جانشینی ایشان.

درمان:

- ۱- تقوا و تهذیب نفس.
- ۲- علم و بصیرت دینی و سیاسی علماء، اندیشمندان، دولتمردان و مردم.
- ۳- روشنگری علماء و اندیشمندان، تکذیب منحرفان.
- ۴- برخورد دولتمردان جامعه اسلامی (مثل برخورد امیرکبیر با بهائیت که ستودنی است).
- ۵- عدم اغماض در برخورد با انحرافات و بدعت ها.

۱۰- عدم پیروی از ولایت فقیه و نواب عام

یکی دیگر از آسیب‌هایی که وحدت جامعه اسلامی را خدشه دار ساخته و زمینه را برای فعالیت دشمنان دین و مهدویت (به صورت‌های مختلف مانند دشمنی روشن و بی‌واسطه، فرقه‌سازی، مدعیان و ...) فراهم می‌آورد، عدم پیروی از نواب عام امام عصر (علیه‌السلام) است با آنکه اطاعت از این بزرگواران، در عقل و نقل تأکید شده است.

پیامدها:

- ۱- گمراهی و ضلالت.
- ۲- پراکندگی افراد و عدم وحدت در سایه رهبری واحد.
- ۳- شکست پذیر بودن در مقابل دشمن و عدم مقاومت.

خاستگاه:

- ۱- عدم بصیرت کافی در دین.
- ۲- توجه نکردن به دلایل عقلی و نقلی.
- ۳- توهم پیروی مستقیم و بی‌واسطه از امام عصر (علیه‌السلام).
- ۴- توقع نیابت خاصه در عصر غیبت کبری.
- ۵- هرا و هوس.
- ۶- اغراض سیاسی و شیطنت‌های استکبار.

درمان:

- ۱- تبیین عقلی و نقلی ضرورت رویکرد به نواب عام.
- ۲- بصیرت دینی و سیاسی.
- ۳- هماهنگی و وحدت رویه بین اندیشمندان و علما در حمایت از فقیهی که عهده دار امور گشته است.
- ۴- تلاش برای حل مشکلات دینی، فکری، سیاسی و اجتماعی جامعه با همفکری اندیشمندان و علماء.

۱۱- فعالیت‌های غرب و مستشرقان:

یکی دیگر از آسیب‌ها، تخریب‌ها و تحریف‌هایی است که توسط مستشرقان در مقوله مهدویت پدید آمده است. آنان مغرضانه یا بدون مراجعه به منابع اصیل، مطالبی

را به نام دین و مهدویت ارائه می دهند و در پی آن افرادی نیز با مطالب و مقاله های آنان، برخورد علمی کرده و آن را یک کار علمی، تحقیقاتی و بدون هیچ عیب و نقصی می پندارند و در کتابها و مقالات خویش از آن بهره می گیرند.

پیامد:

۱- دوری گزیدن جوامع غیراسلامی از مطالب اصیل اسلامی به طور کلی و مهدویت به طور خاص که مورد بحث است.

۲- ایجاد شک و تردید یا تنفر در میان معتقدان کم اطلاع.

خاستگاه:

- ۱- بی اطلاعی از منابع اصیل.
- ۲- مراجعه به منابع دست چندم به جای منابع اصیل و دست اول.
- ۳- در بررسی مسائل مربوط به یک مذهب، به جای رجوع به منابع خود آن اندیشه، سراغ مطالب دیگران حتی مخالفان آن مذهب رفتن، مثلاً در بررسی دیدگاه مهدویت شیعی به جای مراجعه به منابع اصیل شیعی، آنرا از میان دیدگاهها و نقطه نظرات اهل سنت جستجو می کنند.
- ۴- جدایی از علماء و کارشناسان مذهب یا آن مقوله، بی اعتنایی با بی اطلاعی یا عدم طرح توضیحات کارشناسان مربوطه.
- ۵- برخورد مغرضانه و جانبدارانه به جای بی طرفی با مقولات علمی.
- ۶- سیاست بازی و شیطنت های استکبار.

درمان:

- ۱- تبیین، روشنگری، حل شبهات و ... توسط علما و اندیشمندان مانند ارائه دائرة المعارف ها، دانشنامه ها با توضیحات کافی و دلایل معتبر و اصیل و ...
- ۲- هوشیاری در مقابل غرض ورزی ها و سیاست زدگی ها.
- ۳- مبهوت نشدن در مقابل غرب، مستشرقان و ...